

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۲ جولای ۲۰۲۴

زلزله سیاسی در انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا در فرانسه و دلایل عروج جریان‌های راست و نئوفاشیست و نئوراسیست در اروپا

انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا پایان یافت. ۳۵۰ میلیون نفر از ۲۷ کشور اروپائی که حق رأی در انتخابات پارلمانی داشتند فقط ۵۲ درصد از واجدان شرایط در این انتخابات شرکت کردند. نتیجه آراء در کشور فرانسه پیروزی حزب دست راستی و راسیستی خانم "مارین لوپن" با ۳۴ درصد آراء برامانوئل مکرون با ۱۴ درصد آراء را نشان می‌دهد! با این نتیجه، دولت مکرون مشروعیتش را کاملاً از دست داده است! مکرون به جای کناره‌گیری خود و دولتش، چاره را در انحلال مجلس دید! این عمل نمونه‌ای از ریاکاری رهبران غربی را نشان می‌دهد! به نظر می‌آید که "دموکراسی"، "انتخابات آزاد"، "جامعه آزاد" که مرتب از دهان گشاد غربگرایان ایرانی قطاری می‌شود، در حقیقت و چون نیک بنگری حرف کشکی بیش نیستند!!

دلایل عروج جریان‌های راست و نئوفاشیست و نئوراسیست در اتحادیه اروپا چیست؟

سیاست حاکم بر این اتحادیه که بیانگر اتحاد قدرتهای برتر امپریالیستی اروپا، آلمان و فرانسه و ایتالیا و دول ضعیفتر سرمایه‌داری و امپریالیستی است، بر ریاضت اقتصادی نئولیبرالی، خصوصی‌سازیها، کاهش دستمزدها، لغو پیمان‌های جمعی و تضعیف فعالیتهای سندیکائی، تصویب قوانین ضد پناهندگی، افزایش بودجه نظامی و تشدید اختلافات طبقاتی و گسترش بیکاری و فقر.... استوار است. رشد روز افزون خارجی‌ستیزی، راسیسم و فاشیسم نتیجه طبیعی سیاست افسارگسیخته سرمایه‌داری نئولیبرالی و هدف گرفتن معیشت اقتصادی کارگران و عموم زحمتکشان است. فاشیسم فرزند خلف سرمایه‌داری است و شبحی که هم اکنون در اروپا در گشت و گذار است بحران اقتصادی سرمایه‌داری امپریالیستی است که باید با نابودی دستاوردهای طبقه کارگر و جنگ و خونریزی حل گردد. امپریالیست‌های اروپائی برای مشروعیت بخشیدن به سیاستهای نئولیبرالی و ارتجاعی خود باید تمام این قوانین را در قانون اساسی این اتحادیه به تصویب برسانند و بدان قانونیت بخشند. ارگانهائی نظیر شورای اروپا، شورای وزیران اتحادیه اروپا، کمیسیون اتحادیه اروپا، دادگاه اتحادیه اروپا، ارگانهای اجرائیه و تصمیم گیرنده‌ای هستند که نمایندگانش بدون دخالت مردم و بدون هرگونه انتخاباتی، از بالا و در سالون‌های در بسته انتخاب می‌شوند. پارلمان اتحادیه اروپا که

هر پنج سال یکبار برگزار می‌شود تنها نهادی است که نمایندگانش به‌ظاهر از جانب رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. تعداد اعضای پارلمان اتحادیه‌اروپا ۷۲۰ نفر است که برحسب جمعیت ۲۷ کشور عضو تقسیم می‌شود. پارلمان اتحادیه‌اروپا ارگان قانونگذار نیست، اگر چه اختیارات این پارلمان بعد از قراردادهای ماستریشیت در ۱۹۹۲ و لیسبون در ۲۰۰۷ قدری افزایش یافته است اما علی‌رغم این فرم، دو وظیفه بیشتر در اختیار این پارلمان نیست. یکی انتخاب رئیس کمیسیون اروپا، دیگری تصویب برخی قوانین که کمیسیون اروپا تنظیم می‌کند و باید با مشورت شورای‌وزیران انجام گیرد. بدین رو پارلمان اتحادیه‌اروپا اساساً ارگان قانون‌گذار نیست و تمام سیاست‌های کلان اتحادیه‌اروپا توسط کمیسیون اروپا و شورای‌وزیران اتخاذ می‌گردد. پارلمان اتحادیه‌اروپا، پارلمان بی‌پال و دم و اشکمی است که برای آرایش و مشروعیت بخشیدن به اتحادیه‌اروپا نقش بازی می‌کند. این یک پارلمان تقلبی است که با پارلمان‌های ملی که حد اقل حفظ ظاهر را به جای می‌آورند و طبق قانون اساسی ملی هر چهار سال یکبار برگزار می‌گردد، تفاوت دارد. دستگاه عریض و طویل بروکراتیک، حقوق‌های کلان نمایندگان پارلمان، و بریدگی از مردم به اندازه‌ای است که اکثریت مردم در چنین انتخاباتی شرکت نمی‌کنند، نسبت بدان بیگانه‌اند، آن را تحریم و یا اساساً بدان توجهی ندارند.

وظیفه احزاب مارکسیستی‌لنینیستی و نیروهای ترقی خواه فراخواندن مردم برای تحریم این انتخابات و خواست خروج کشورشان از اتحادیه‌اروپاست. برای تحقق این امر خواست همه‌پرسی مجدد برای بود و نبود در اتحادیه‌اروپا یک تاکتیک مشخص سیاسی برای کشاندن مردم به خیابانها و اعتراض عمومی علیه سیاست خانمان برانداز نئولیبرالی و سیاست جنگ‌افروزانه اتحادیه‌اروپاست. جدائی دولتها از اتحادیه‌اروپا و تشدید تضادهای درونی امپریالیست‌ها به‌نفع مردم است و شرایط را برای پیشبرد مبارزه طبقاتی و حفظ دستاوردهای طبقه کارگر مناسبتر خواهد کرد. پرولتاریا نمی‌تواند بدون شعار و تاکتیک صحیح "خروج فوری از اتحادیه‌اروپا" مردم را علیه سیاست ریاضت‌اقتصادی نئولیبرالی بسیج کند. اکنون شرایط برای انقلاب سوسیالیستی و تحقق "اتحادیه‌اشترک سرخ اروپا" فراهم نیست و تنها تاکتیک صحیحی که می‌تواند یک گام پرولتاریا را به‌هدف ستراتیژیکش نزدیک کند همانا خواست جدائی فوری از این اتحادیه و منفرد کردن این دستگاه گران و عریض و طویل انحصارات چند ملیتی امپریالیستی است که شیرۀ جان کارگران و توده مردم را می‌مکد و آنها را به سوی جنگ‌های خونین و اروپای متحد فاشیستی و راسیستی رهنمون می‌سازد. بحران کنونی در ممالک اروپائی عضو اتحادیه‌اروپا، گسترش فقر و فاقه و بی‌خانمانی در این کشورها حاصل سیاست نئولیبرالی اتحادیه‌اروپاست که کشور را به پرتگاه سقوط و ورشکستگی مطلق سوق داده است. فراخوان برخی از احزاب "چپ" و "حزب کمونیست" مبنی بر شرکت مردم در انتخابات پارلمانی اروپا به جای شعار خروج از این اتحادیه نشان از ورشکستگی این جریان‌های سیاسی دارد که برای چند کرسی پارلمانی به‌خیانت ملی و طبقاتی تن داده‌اند. شعله‌ور شدن جنگ در اوکراین و تقویت فاشیسم و راسیسم در این کشور که تحت‌رهبری امپریالیست امریکا صورت گرفته است، حاصل سیاست جنگ‌افروزانه و دخالت اتحادیه‌امپریالیستی اروپا در امور داخلی اوکراین است.

خلاصه کنیم: تشکیل کشورهای متحده اروپا در رژیمهای سرمایه‌داری امپریالیستی مساویست با سازش در باره تقسیم بازارهای ممالک توسعه نیافته و عقب‌نگاه داشته شده و این جز زور نمی‌تواند اساس و اصل دیگری برای تقسیم وجود داشته باشد. این اتحاد و سازش موقت از طرفی برای غارت مشترک ثروت و دستاوردهای صدساله اخیر طبقه‌کارگر کشورهای عضو این اتحادیه است. ریاضت اقتصادی در سرلوحه این سیاست غارتگرانه امپریالیستی قرار دارد.

نزدیک به پنجاه درصد از واجدان شرایط رأی در انتخابات پارلمانی اخیر اتحادیه‌اروپا شرکت نکرده و آن را تحریم کرده‌اند. این خود مبین این امر است که سردمداران نئولیبرال این اتحادیه علی‌رغم همه زوری که زده‌اند تا مردم را

برای مشروعیت دادن به سیاست ریاضت اقتصادی به پای صندوق رأی بکشانند، با شکست روبه رو شده‌اند. این خود مایه امیدواری است تا احزاب و سازمانهای مارکسیستی‌لنینیستی و نیروهای مترقی با تکیه به کارگران و زحمتکشان و همه آحاد ملت، در یک همه‌پرسی عمومی خواست خروج فوری دولت‌های خود از این اتحادیه ارتجاعی را محقق نمایند. از هم پاشیدگی این اتحادیه، منفرد شدن دولت‌های امپریالیستی و تشدید تضادهای آنها به نفع مبارزات طبقه کارگر و خلق‌های اروپا و جهان است.